

نوسانات هزینه‌ها صنایع کلیدی را تهدید می‌کند

رشد قیمت نهاده‌ها، انرژی و واردات مواد اولیه صنایع مهم را در معرض تلاطم شدید قرار داده و اثرات آن به زنجیره تولید و مصرف منتقل می‌شود

ثبت کرده است، اما این رقم نیز همچنان در سطح بالایی قرار دارد و بیانگر آن است که هیچ صنعتی از فشار تورمی معاف نیست. تورم سالانه تولیدکننده نیز به ۴۴.۵ درصد رسیده است؛ میانگینی که تثبیت تورم بالا در ساختار تولید صنعتی کشور را تأیید می‌کند. صنعت تولید انواع آشامیدنی‌ها با ۶۵.۸ درصد بیشترین افزایش سالانه را داشته و بازتاب افزایش هزینه مواد اولیه کشاورزی، بطری و بسته‌بندی، انرژی و هزینه‌های توزیع است. در مقابل، صنایع ساخت وسایل نقلیه و سایر مصنوعات کمترین تورم سالانه یعنی ۲۹.۴ درصد را تجربه کرده‌اند، رقمی که با وجود پایین‌تر بودن از سایر صنایع، همچنان فشار قابل توجهی بر سودآوری و قیمت نهایی کالا دارد.

پیامدهای مستقیم تورم صنعتی

افزایش هم‌زمان شاخص‌های فصلی، نقطه به نقطه و سالانه نشان می‌دهد که تورم تولیدکننده به یک پدیده ساختاری بدل شده است، نه یک شوک موقتی. نخستین پیامد، انتقال تورم به قیمت مصرف‌کننده است؛ زمانی که تولیدکنندگان توان جذب هزینه‌های فزاینده را نداشته باشند، افزایش قیمت فروش به ناچار به سبد خانوار منتقل می‌شود. این فرایند فشار بر قدرت خرید مردم و سلط تقاضای مؤثر را تشدید می‌کند و می‌تواند کاهش مصرف کالاهای اساسی و افت تقاضای داخلی را به دنبال داشته باشد.

پیامد دوم، کاهش سودآوری و تهدید بقای بنگاه‌هاست. محدودیت تقاضا و افزایش هزینه‌ها، بسیاری از واحدهای صنعتی را از انتقال کامل فشارهای هزینه‌ای باز می‌دارد. نتیجه این وضعیت کاهش ظرفیت تولید، تعویق طرح‌های توسعه‌ای، تعدیل نیروی کار و حتی تعطیلی برخی واحدهاست. استمرار چنین شرایطی، بخش واقعی اقتصاد را تضعیف و رشد صنعتی را محدود می‌کند و ریسک رکود تورمی را افزایش می‌دهد.

نااطمینانی و اثر بر سرمایه‌گذاری

پیامد سوم، افزایش نااطمینانی و تضعیف فضای سرمایه‌گذاری است. نوسانات هزینه‌های تولید، پیش‌بینی‌پذیری را کاهش داده و افق تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی را محدود می‌کند. سرمایه‌گذاران به جای ورود به فعالیت‌های صنعتی بلندمدت، منابع خود را به بازارهای کمریسک یا سفته‌بازانه منتقل می‌کنند و این جابه‌جایی می‌تواند چرخه تورم و رکود را تشدید کند. از منظر سیاست‌گذاری، رشد شتابان شاخص قیمت تولیدکننده هشدار جدی برای بانک مرکزی و تیم مالی دولت است. مدیریت نقدینگی، کنترل انتظارات تورمی، ثبات بخشی به بازار ارز و اصلاح سازوکارهای تأمین مالی بنگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. در غیر این صورت، فشار هزینه‌ها بر صنایع داخلی ادامه یافته و انتقال تورم از تولید به مصرف، تهدیدی پایدار برای معیشت خانوارها خواهد بود، وضعیتی که نیازمند اقدام فوری و هماهنگ سیاست‌گذاران است.



عکس: احمد معینی/جهان ایران

اندازه می‌توانند از فشارهای کوتاه‌مدت هزینه‌ای در امان بمانند. شاخص نقطه به نقطه، ابعاد عمیق‌تری از تورم را آشکار می‌سازد. نرخ تورم نقطه به نقطه بخش صنعت در پاییز ۱۴۰۴ به ۵۰.۹ درصد رسیده است، به معنای افزایش بیش از ۵۰ درصدی قیمت دریافتی تولیدکنندگان نسبت به سال گذشته، افزایشی که نسبت به فصل قبل ۴.۴ واحد درصد رشد کرده و استمرار روند صعودی را نشان می‌دهد. این شاخص، به عنوان یک پیش‌نگر تورمی، هشدار می‌دهد که فشار هزینه‌ها به زودی به بازار مصرف منتقل خواهد شد و سبد خانوارها تحت تأثیر مستقیم این نوسانات قرار خواهد گرفت.

فشار تورمی صنایع کلیدی

در میان رشته‌فعالیت‌ها، صنعت ساخت کاغذ و محصولات کاغذی با تورم نقطه به نقطه ۸۲.۶ درصد بیشترین رشد قیمت را تجربه کرده است. وابستگی این صنعت به واردات خمیر کاغذ، مواد شیمیایی و تجهیزات، آن را در معرض نوسانات ارزی قرار داده و افزایش هزینه‌ها دامنه تأثیر خود را به بسته‌بندی، چاپ، نشر، صنایع غذایی و سایر کالاهای مصرفی گسترش می‌دهد. این اثر زنجیره‌ای، نشان می‌دهد که فشار تورمی نه تنها تولیدکننده را متأثر می‌کند، بلکه بر سایر بخش‌های اقتصادی زندگی روزمره مصرف‌کننده نیز انعکاس دارد. در سوی دیگر، صنعت ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر با ۲۶.۵ درصد کمترین تورم نقطه به نقطه را

سیاست‌گذاران اقتصادی است. کنترل تورم تولید، تنها از مسیر هماهنگی دقیق در سیاست‌های پولی، مالی و صنعتی میسر خواهد شد. بی‌توجهی به این وضعیت می‌تواند نه تنها تعادل بازار تولید را برهم زند، بلکه موجی از فشار بر معیشت خانوارها و کاهش توان خرید آنان ایجاد کند.

آمارها چه می‌گویند؟

جزئیات شاخص قیمت تولیدکننده نشان می‌دهد اثرات تورم در صنایع مختلف به شکل ناهمگون پدیدار شده است. بیشترین تورم فصلی با ۲۵.۶ درصد به صنعت ساخت میلان اختصاص یافته است؛ صنعتی که هم‌زمان تحت تأثیر افزایش قیمت چوب، فرآورده‌های وابسته، یراق آلات و واردات مواد اولیه قرار دارد و از نوسانات بازار مسکن نیز متأثر می‌شود. این صنعت، نمونه‌ای روشن از تأثیر هم‌زمان چند عامل بیرونی و داخلی است؛ از محدودیت عرضه مواد اولیه گرفته تا تغییرات قیمت در بازار ملک که بر تقاضای میلان اثر مستقیم دارد.

در مقابل، صنعت ساخت تگ و فرآورده‌های پالایش نفت تنها ۱.۱ درصد تورم فصلی ثبت کرده است، وضعیتی که عمدتاً ناشی از سیاست‌های کنترلی در قیمت‌گذاری خوراک و فرآورده‌های نفتی است. این اختلاف، تصویر روشنی از ناهمگونی تورم در صنایع مختلف ارائه و نشان می‌دهد بخش‌های کنترل‌شده و دولتی تا چه

در پاییز ۱۴۰۴، بخش تولید کشور بار دیگر تحت فشار تورمی فزاینده قرار گرفت؛ افزایشی که نه تنها نشانه‌ای از ناپایداری اقتصادی، بلکه هشدار مستقیم برای بازار مصرف و معیشت خانوارها محسوب می‌شود. تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد شاخص قیمت تولیدکننده در صنعت با آهنگی تندتر از فصول گذشته در حال صعود است و پیامدهای آن به زودی در کالاهای مصرفی محسوس خواهد شد.

جهش بی‌سابقه تورم صنعت

تورم فصلی تولیدکننده در بخش صنعت در پاییز ۱۴۰۴ به ۱۱.۷ درصد رسید؛ جهشی چشمگیر نسبت به تابستان که ۸.۲ درصد ثبت شده بود. این رشد، حکایت از ادامه و تشدید شوک‌های کوتاه‌مدت هزینه‌ای دارد و نشان می‌دهد فشارهای اقتصادی در مسیر فروکش نیستند. تحلیلگران افزایش قیمت نهاده‌های تولید، رشد دستمزدها، صعود هزینه انرژی، بالا رفتن کرایه‌های حمل‌ونقل و نوسانات ارزی در واردات مواد اولیه را عوامل اصلی این جهش می‌دانند.

صنعت در چنین فضایی تصویری از بی‌ثباتی و تلاطم ارائه می‌دهد؛ واحدهایی که با افزایش هزینه‌ها مواجهند، ناگزیر با چالش انتقال تورم به مصرف‌کننده، کاهش سودآوری و محدود شدن ظرفیت سرمایه‌گذاری روبه‌رو می‌شوند. ادامه این روند، فشار هزینه‌ها را بر سبد خانوارها تشدید می‌کند و هشدار صریحی برای

۶۶

شاخص
نقطه‌به‌نقطه
تولیدکننده
بیش از ۵۰
درصد رشد
داشته و
پیامدهای آن
فشار بر قیمت
مصرف‌کننده،
کاهش قدرت
خرید و
محدود شدن
سرمایه‌گذاری
بلندمدت است

بازارها با سرمایه‌گذاری ثبات می‌یابند

پروژه‌های مولد باعث کاهش نوسانات بازار دارایی‌ها و ارزش شده و امنیت اقتصادی و پیش‌بینی‌پذیری فضای کسب‌وکار را ارتقا خواهند داد

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و ناترازی‌های مزمن مواجه شده که رشد منفی، کاهش تولید و افت درآمد سرانه را به دنبال داشته و فرصت‌های شغلی را محدود کرده است. کارشناسان معتقدند راه خروج از این وضعیت، سرمایه‌گذاری هدفمند و گسترده در زیرساخت‌ها، فناوری و صنایع مولد است؛ سرمایه‌گذاری‌ای که بتواند بهره‌وری کل عوامل تولید را ارتقا و ساختار اقتصاد کشور را از خام‌فروشی به سمت تولید کالاهای و خدمات با ارزش افزوده بالاتر سوق دهد. علاوه بر این، توسعه صنایع پایین‌دستی و زنجیره‌های ارزش، تقویت بخش خصوصی مولد و اصلاح ساختار بودجه می‌تواند وابستگی به درآمدهای ناپایدار را کاهش دهد، ثبات اقتصاد کلان را افزایش دهد و فضای کسب‌وکار را پیش‌بینی‌پذیرتر کند. سرمایه‌گذاری هدفمند همچنین امنیت اقتصادی کشور را بالا برده و مقاومت اقتصاد در برابر شوک‌ها و تحریم‌ها را تقویت می‌کند.

توسعه زیرساخت و سرمایه

محمود جاسماز، کارشناس اقتصادی، بارها بر ضرورت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و هدایت منابع به سمت پروژه‌های مولد تأکید کرده است. او هشدار می‌دهد که عدم توجه به این مسئله باعث افزایش بیکاری، گسترش فقر و تشدید نابرابری اجتماعی خواهد شد. به گفته او، کاهش سرمایه‌گذاری طی دو دهه گذشته، عقب‌ماندگی در بخش‌های مختلف اقتصادی را تشدید کرده و رشد اقتصادی را محدود کرده است. در دوره‌هایی که درآمدهای

یادداشت
O P I N I O N



فرشید شکرخدايي

رئيس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران

تضعیف سرمایه‌در گردش واحدهای تولیدی

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با چالش عمیقی روبه‌رو شده است؛ تضعیف سرمایه در گردش بنگاه‌های بخش خصوصی باعث تعطیلی یا کاهش فعالیت بسیاری از واحدهای تولیدی شده و رشد اقتصادی را به کمتر از یک درصد در سال ۱۴۰۴ رسانده است. آمارها نشان می‌دهد که تعطیلی‌های سراسری روزانه حدود ۷ هزار میلیارد تومان زیان به اقتصاد وارد می‌کند و تنها در تابستان گذشته، کمبود برق در ۲۳ استان تولید صنایع کلیدی مانند فولاد و سیمان را تا ۳۰ درصد کاهش داده و صادرات غیرنفتی را ۱۲ درصد کم کرده است.

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، شاخص محیط کسب‌وکار در پاییز ۱۴۰۴ به ۶.۱۳ رسیده که پایین‌ترین سطح از بهار ۱۳۹۸ است و میانگین ظرفیت فعالیت واقعی بنگاه‌ها تنها حدود ۳۹ درصد است؛ یعنی بیش از ۶۰ درصد ظرفیت تولیدی کشور بلااستفاده مانده است. این شرایط ناشی از مشکلات ساختاری، کمبود انرژی، افزایش نرخ ارز و محدودیت‌های تجارت خارجی به دلیل تحریم‌هاست. در شهرک‌های صنعتی، ۱۶ تا ۲۰ درصد واحدها غیرفعال یا نیمه‌فعال شده و ۵۰ درصد بنگاه‌های کوچک در معرض توقف فعالیت قرار دارند، وضعیتی که بحران اشتغال را تشدید می‌کند.

این بحران تنها نتیجه عوامل کوتاه‌مدت نیست، بلکه انباشت سیاست‌های ناکارآمد و محدودیت‌های بلندمدت است. تورم بالا و نوسانات شدید ارزی ارزش ریال را تا پایان ۲۰۲۵ به پایین‌ترین سطح تاریخی یعنی حدود ۱۰.۴۴۵ میلیون ریال در برابر دلار رسانده و هزینه واردات مواد اولیه را چند برابر کرده است. رکود اقتصادی و فروش اعتباری با تأخیر سه تا شش ماهه، نقدینگی بنگاه‌ها را کاهش داده و آن‌ها را مجبور به فعالیت با کمتر از نیمی از ظرفیت کرده است. هم‌زمان، محدودیت‌های برق و گاز و افزایش قیمت انرژی صنایع تا ۳۰۰ درصد، منجر به تعدیل نیرو و کاهش ساعات کاری شده و تنها در تابستان امسال بیش از ۲۰۰ هزار شغل صنعتی از بین رفته است. برای برون‌رفت از این وضعیت، بخش خصوصی چند راهکار عملی ارائه می‌دهد. اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری و تضمین امنیت سرمایه‌گذاران، کاهش تشریفات اداری، بهبود محیط کسب‌وکار و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌تواند جریان سرمایه در گردش را تقویت کند. کنترل تورم از طریق سیاست‌های پولی هدفمند و مدیریت کسری بودجه، ثبات ارزی را ایجاد و قدرت خرید بنگاه‌ها را حفظ خواهد کرد.

بازار سرمایه نیز با رفع انحصار کارگزاری‌ها و سبب‌گردانی، انتشار اوراق بدهی و افزایش عرضه اولیه سهام، منابع مالی جدیدی در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهد. مشارکت عمومی-خصوصی یا چارچوب‌های قانونی مناسب، کاهش مداخلات قیمتی و هدایت سرمایه‌های سرگردان به سمت تولید، ایجاد دادگاه‌های تخصصی اقتصادی و بیمه ریسک‌های پروژه‌ها، اعتماد سرمایه‌گذاران را بازسازی خواهد کرد.

استقراض را کاهش می‌دهد. این روند همچنین ثبات اقتصاد کلان را ارتقا داده، کنترل تورم را آسان‌تر کرده و پیش‌بینی‌پذیری فضای کسب‌وکار را افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، حمل‌ونقل، لجستیک و فناوری اطلاعات نیز می‌تواند بخشی از ناترازی‌های مزمن را کاهش دهد و ریسک‌های سیستماتیک اقتصاد را پایین بیاورد. بهبود شبکه حمل‌ونقل، کاهش قطعی انرژی و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، هزینه مبادله را برای فعالان اقتصادی کاهش داده و زمینه رشد پایدار را فراهم می‌کند.

امنیت و ثبات اقتصادی

سرمایه‌گذاری گسترده موجب تعمیق بازارهای مالی و افزایش کارایی نظام بانکی نیز می‌شود. هنگامی که پروژه‌های تولیدی و زیرساختی سودآور تعریف و اجرا شوند، منابع سرگردان به جای حرکت به سمت فعالیت‌های غیرمولد و سفته‌بازانه، به بخش‌های مولد هدایت می‌شوند. این روند باعث کاهش نوسانات در بازار دارایی‌ها، ارز، طلا و مسکن شده و از شکل‌گیری حباب‌های قیمتی جلوگیری می‌کند. سرمایه‌گذاری هدفمند نقش مهمی در ارتقای امنیت اقتصادی کشور دارد. اقتصادی که دارای ظرفیت تولید داخلی قوی، زیرساخت‌های به‌روز و تنوع شرکای تجاری بالاتر باشد، در برابر شوک‌های بیرونی و تحریم‌ها مقاوم‌تر عمل می‌کند. تنوع بخشی به منابع درآمدی و گسترش پیوندهای اقتصادی منطقه‌ای، آسیب‌پذیری اقتصاد را کاهش داده و قدرت چانه‌زنی ایران در تعاملات بین‌المللی را تقویت می‌کند.